



معصومه آمیغی

دکترای رشته زبان و ادبیات عربی

چکیده

بدون شک، اهل علم و ادب عربی می دانند که «إنما»، به دو شکل به کار می رود؛
 ۱. به صورت «إنما» حصر- که إن و ما، یک کلمه به حساب می آید- و «ما» در آن،
 به اصطلاح اهل ادب، مای کافه بوده و در رسم الخط، به صورت متصل «إنما»
 نوشته می شود.

۲. «إن» تأکید و «ما» موصول،- که در این جا، هم در زمان تلفظ و هم، در کتابت
 - از هم جدا است، تا معنای صحیح آن فهمیده شود.

اگر، دقت لازم در زمان تلفظ و در هنگام کتابت این لفظ به کار نرود، سبب خلل
 در معنای درست آیات خواهد شد.

به رغم کاربرد گسترده واژه «إنما» در نص قرآن، این کلمه، به طور کامل و مستفاد
 بررسی نشده است. در این گفتار کوتاه، با ذکر آیاتی - که واژه «إنما» را دارند، -
 سعی کرده ایم، کاربرد معنایی آن را، در دو ترجمه شاه ولی الله دهلوی [مترجم
 سده دوازده] و آیت الله مکارم شیرازی [مترجم معاصر] مطالعه و نقد کنیم.

کلید واژه ها: ترجمه، قصر، إنما، دهلوی، مکارم، لفظی، غیرلفظی.

پیش گفتار

یکی از اصول و نکاتی - که مترجم قرآن کریم، باید به آن التفات کافی داشته باشد - به کارگیری نکات بلاغی و نحوی در ترجمه قرآن است.

علوم بلاغت، در جنبه های فصاحت و بلاغی آیات و نیز، آرایه های هنری قرآن ظهور می یابند که مشتمل بر علم معانی، بیان و بدیع می باشد.

علم معانی، به فصاحت و آژه ها، بلاغت ترکیب آیات و چگونگی چینش واژه ها و جمله ها پرداخته و با توجه به هدف آیات و مقاصد هدایت الهی، به مقتضای حال، مخاطب آن را جست جو می کند. می توان گفت که این علم، در پیام رسانی و تأثر و تحوّل روحی مخاطب نقش مهمی دارد. یکی از شیوه های قصر در علم معانی، مبحث «اِنْمَا» است. نادیده گرفتن آن در ترجمه آیات، سبب می شود تا پیام و روح کلام الهی، به گونه دقیق به مخاطب انتقال نیابد.

از آن جا که این مقاله، به بررسی جنبه معنانشناسی واژه «اِنْمَا»، در ترجمه شاه ولی الله دهلوی و مکارم شیرازی از قرآن کریم می پردازد، نخست، در عبارت های کوتاهی به زندگی نامه و ویژگی های ترجمه آن دو اشاره می کنیم. سپس، موضوع قصر و ادات آن را کنکاش کرده و با ذکر آیاتی - که این واژه در آن ها به کار رفته -، دیدگاه خود را بیان می کنیم.

نگاهی گذرا به زندگی نامه و ویژگی های ترجمه دهلوی

ابوالفیاض قطب الدین احمد ابن عبدالرحیم، مکنّی به ابوالعزیز، معروف به شاه ولی الله [لقب طریقتی / عرفانی است] محدّث دهلوی (۱۱۱۴ ه. ق / ۱۷۰۳ م، ۱۱۷۶ ه. ق / ۱۷۶۲ م)، یکی از اصلاح گران تأثیر گذار مسلمان در شبه قاره هند بود و مذهب حنفی داشت. ایشان در دهکده پهلّت شهرستان مظفر - نگر، در نزدیکی دهلی، در خانواده ای شهره به حکمت و دیانت دیده به جهان گشود. شاه ولی الله، مردی کوشا و دارای آثار فراوان بود. به زبان های فارسی و عربی می نوشت. آثار او را تا یکصد کتاب و رساله، در زمینه های قرآن، حدیث، فقه و کلام بر شمرده اند.

پدرش نخستین معلم او بود. در سن هفت سالگی، قرآن کریم را حفظ کرده و در پانزده

سالگی، با توصیه پدر به طریقت صوفیانه نقشبندیه درآمد که فرقه دیوبندی، ریشه در اندیشه‌های او دارد. نهضت شاه ولی الله در آغاز، به منظور اصلاح اندیشه‌های دینی و خرافه‌زدایی ایجاد شد. پس از درگذشت او، پنج فرزندش و در رأس آن‌ها پسرش، شاه عبدالعزیز (۱۱۶۷ ه. ق / ۱۷۴۶ م، ۱۲۳۵ ه. ق / ۱۸۲۴ م) و نوه‌اش، شاه اسماعیل (۱۱۹۲ ه. ق / ۱۷۸۱ م، ۱۲۴۲ ه. ق / ۱۸۳۱ م) آن را به یک جریان سیاسی و اجتماعی در هند تبدیل کردند. این جریان، در برابر استعمار بریتانیا بر هند، موضع‌گیری سیاسی تند داشته و به همین دلیل، هواداران بسیاری جذب کرد.

امروزه، نهضت بزرگ اسلامی در گستره جنوب آسیا، به ویژه گروه دیوبندی - که تکثرگرایی و روحیه و پیش زمینه عرفانی دارند - خود را ملهم از آثار او و فرزندش می‌دانند.^۱ ترجمه قرآنی «فتح الرحمن» دهلوی، به زبان فارسی، از مهم‌ترین آثار وی بوده که ویژگی‌های زیر را به همراه دارد.

۱. وی، در شیوه و اسلوب نگارش اثر ماندگار خود، از سبک ترجمه‌های کهن پیروی کرده و نوع ترجمه، تحت اللفظی است. وی را می‌توان، از نخستین مترجمان فارسی قرآن کریم نام برد که افزوده‌های تفسیری را با متن همراه کرده است.

۲. ترجمه او، با اصل مطابقت داشته و ترجمه آیات یکدست بوده و همسانی کلمه‌ها و جمله‌ها در جای جای ترجمه، از ظرافت‌های هنری آن است.

۳. مترجم کوشیده تا در انتخاب برابره‌های فارسی کلمات قرآنی، نکته‌سنجی داشته باشد.

۴. ترجمه دهلوی، از منظرگاه علمی و دقایق فقهی، دارای اهمیت است.

۵. سبک و سیاق ترجمه وی، فارسی روزمره متداول آن دوره شبه قاره هند می‌باشد.

۶. ترجمه دهلوی، به اعراب و بلاغت و قصص [اشاره کوتاه] و نیز، چکیده‌ای از

اسباب و شأن نزول قصه‌های بلند، نظر دارد.^۲

نگاهی گذرا به زندگی نامه و ویژگی‌های ترجمه آقای مکارم شیرازی

ناصر مکارم شیرازی، در سال ۱۳۴۵ ه. ق، در شهر شیراز متولد شد. در ۱۴ سالگی، هنگامی که کلاس سوم دبیرستان بود، تحصیل رسمی دروس دینی را آغاز کرد. مجموع

دروس مقدماتی و سطح متوسط و عالی را، به جای ۱۰ سال، در چهار سال به پایان رساند. در همین سال‌ها، افزون بر تحصیل دروس، تدریس نیز داشته و در ۱۸ سالگی وارد حوزه علمیه قم شد. و از محضر اساتید بزرگی کسب فیض نمود.

مکارم شیرازی، در همان سنین جوانی، برای آشنایی با دیدگاه‌ها و افکار اساتید بزرگ حوزه علمیه نجف اشرف، راهی عراق شد و در آن‌جا از محضر آیات عظام؛ حکیم خوبی، سید عبداللهی شیرازی و دیگران، بهره گرفت.

وی، در سن ۲۴ سالگی توانست درجه اجتهاد خویش را، در نجف اشرف به دست آورد. در سال ۱۳۳۰ ه. ش به ایران بازگشت و در شهر مقدس قم، به تدریس سطوح عالی و سپس، خارج «اصول» و «فقه» پرداخت.

پایه ترجمه وی، در اصل، گرفته شده از ترجمه موجود در متن تفسیر نمونه بوده که محصول ۱۵ سال کار گروهی در حوزه تفسیر قرآن کریم است.

ویژگی‌های ترجمه نامبرده، از این قرار می‌باشد:

۱. ترجمه، «محتوا به محتوا» می‌باشد، مگر در مواردی که ضرورت ایجاب کرده.
۲. ترجمه ایشان، به زبان روزمره مردم، روان و دقیق و قابل استفاده برای همگان می‌باشد. این ترجمه، با توجه به انتخاب کلمات و ترکیب آن‌ها و نیز، رعایت قواعد دستوری، ترجمه‌ای است مأنوس و تا حدود بسیاری، خالی از غرابت و عبارت‌های زاید.
۳. شرح و تفسیر آیات منتخب، به صورت موجز و مختصر، در صفحه مقابل (سمت چپ) آن با ذکر مأخذ - که بر مبنای دهها تفسیر معتبر شیعه بوده - و با تأکید بر تفاسیر شریف «المیزان، نمونه، و الطیب» فراهم، آمده است.
۴. ترجمه مکارم، دارای فهرست موضوعی اجمالی و نکات و توضیحات و شرح آیات است (بیش از ۱۲۸۰ شرح و نکته تفسیری) که سبب آسان‌یابی در مطالعه موضوعی و نیز، تحقیق می‌باشد. ۳

قصر

قصر - که به آن حصر نیز، گفته می‌شود - عبارت است از اختصاص یافتن امری به امر دیگر، به شیوه‌ای مخصوص^۴ یا اثبات حکمی، برای موضوعی که در جمله آمده و نفی

آن حکم، از غیر آن موضوع. ۵.

ارکان قصر

قصر، ۳ رکن دارد:

۱. مقصور (صفت یا موصوف)، امری است که به امر دیگر اختصاص داده شده است.
۲. مقصور علیه (صفت یا موصوف)، امری است که امر نخست، به آن اختصاص داده می‌شود.

۳. أداة استثنا.

شیوه‌های قصر

قصر، شیوه‌های گوناگون دارد که مهم‌ترین آن‌ها، عبارتند از:

۱. نفی و استثنا. نفی، به وسیله «لا» یا «ما» یا غیر این‌ها و استثنا، به «إلّا» و «غیر»، مانند: «لا اله إلاّ الله» (صافات، ۳۷/۳۵) که مقصور علیه، در این مثال، پس از أداة یاد شده و مقصور، پیش از آن. ۷.

۲. با بهره گرفتن از «إئّما»،^۸ مانند: «قل إئّما أنا بشر مثلکم یوحی الی» (کهف، ۱۸/۱۱۰). مقصور علیه، با «إئّما»، چیزی است که پس از «إئّما» می‌آید. در این آیه شریفه، «أنا»، مقصور و «بشر»، مقصور علیه است. خطیب قزوینی، روش «إئّما» را بر دیگر روش‌های عطف مزیت می‌دهد. زیرا، در این روش، هم اثبات فعل را می‌رساند و هم، نفی آن از دیگری را. در کاربرد «إئّما»، نوعی کارآیی هنری می‌باشد. زیرا، نوعی تعریض به امری است که عبارت بعدی، مفهوم آن را به همراه دارد. ۹.

۳. با بهره گرفتن از از حروف عطف: «لا»، «بل» و «لکن»،^{۱۰} مانند: «و لا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله أموات بل أحياء» (بقره، ۲/۱۵۴)، مقصور علیه، با «بل» و «لکن» عاطفه، چیزی است که پس از این دو، می‌آید. و مقصور علیه، با «لا» عاطفه، چیزی است که پیش از آن بیان می‌شود. ۱۱.

۴. تقدیم ما حقّه التأخیر، مقدم داشتن رکنی است که در جمله، باید مؤخر باشد. ۱۲. مانند: «علی الله توکلنا» (یونس، ۱۰/۸۵) که مقصور علیه در این گونه عبارت، چیزی است که مقدم گشته است. ۱۳.

اهداف بلاغی شیوه قصر :

قصر، اهداف بلاغی را دنبال می کند که مهم ترین آن ها، عبارتند از :

۱. ایجاز؛^{۱۴} یکی از شیوه های قصر، ایجاز یا کوتاه گویی است که مهم ترین رکن، از ارکان بلاغت به شمار می رود. زیرا، قصر، همزمان، نقش دو جمله را بازی می کند، مانند، «ما هذه الحیوة الدنیا الا لهو و لعب» (عنکبوت، ۶۴/۲۹). در این آیه، دو سخن خلاصه شده است. یکی، «الحیوة الدنیا هی لهو و لعب» و دیگر، «لیس لهواً و لعباً غیرها».
۲. تأکید؛^{۱۵} مانند: «ما هذه الحیوة الدنیا الا لهو و لعب» (عنکبوت، ۶۴/۲۹)، این آیه در واقع بر بازیچه بودن دنیا تأکید می ورزد.
۳. اختصاص؛^{۱۶} مانند: «ایاک نعبد و ایاک نستعین» (حمد، ۴/۱) که استعانت و عبادت، به خداوند اختصاص داده شده است.

معنای «إِنَّمَا»، در دو ترجمه دهلوی و مکارم

واژه «إِنَّمَا»، بر پایه رسم الخط عثمان طه، حدود ۱۴۵ بار، در قرآن کریم به کار رفته است. این واژه، با توجه به حال و مقام مخاطب، در جمله با قیدهای فارسی - که نشان دهنده تخصیص و انحصار می باشد، - هم چون: «تنها، فقط، خود، حتماً، بس، بدون تردید، بی شک و...» ترجمه می شود؛ شایان ذکر است که بهره گیری از این واژه ها، متناسب با سبک و سیاق جمله خواهد بود.

بررسی های محققانه، پیرامون این لفظ در ترجمه های شاه ولی الله دهلوی و مکارم شیرازی بهره های زیر را به دست می دهد:

شاه ولی الله دهلوی، در ترجمه لفظ «إِنَّمَا»، عنایت به «ما...إِلَّا» داشته و در همه موارد، آن را ترجمه نموده و از تعبیر «به جز این نیست که»، مگر در موارد معدودی بهره گرفته است. اما، آیت الله مکارم در ترجمه همان لفظ، از واژه ها و قیدهای متنوعی بهره گرفته که مایه دلپذیری و شیوایی ترجمه شده است.

آیات زیر را در ترجمه های آن دو، به عنوان شاهد مثال سخن بالا بیان می کنیم:

۱. «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تَفْسُدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ» (بقره، ۱۱/۲)؛ و چون گفته شود، ایشان را تباه کاری می کنند در زمین، گویند: جز این نیست که ما اصلاح کاریم.

(دهلوی)

وهنگامی که به آنان گفته شود: «در زمین فساد نکنید»، می گویند: «ما فقط اصلاح کننده ایم. (مکارم).

ملاحظه

شاه ولی الله دهلوی، با تعبیر «جز این نیست که» و مکارم شیرازی، با واژه تأکیدی «فقط»، به ترجمه «إِنَّمَا» پرداخته اند.

۲. «قالوا إِنَّمَا البيع مثل الربوا» (بقره، ۲/۲۷۵)؛ گفتند جز این نیست که سوداگری، مانند سود است.... (دهلوی)

آنان گفتند: داد و ستد هم، مانند رباست (و تفاوتی میان آن دو نیست).... (مکارم)

ملاحظه

شاه ولی الله دهلوی، مانند آیه پیشین، با تعبیر «جز این نیست که» و آیت الله مکارم، با واژه بلاغی و تأکیدی «هم»، به ترجمه «إِنَّمَا» پرداخته اند.

۳. «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةَ قُلُوبِهِمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْغَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ...» (توبه، ۹/۶۰)؛ جز این نیست که صدقه‌ها برای فقیران است و بی‌نویان و کارکنان به جمع صدقات و آنان که الفت داده می‌شود دل ایشان را و برای خرج کردن در آزادی برده‌ها و برای دام داران و برای خرج کردن در راه خدا و برای مسافران است.... (دهلوی)

زکات، مخصوص فقرا و مساکین و کارکنانی است که برای (جمع آوری) آن زحمت می‌کشند و کسانی که برای جلب محبت شان اقدام می‌شود و برای (آزادی) بردگان و (ادای دین) بدهکاران، و در راه (تقویت آیین) خدا و واماندگان در راه.... (مکارم)

ملاحظه

شاه ولی الله دهلوی، تعبیر پیشین خویش را آورده؛ در حالی که آیت الله مکارم، با واژه «مخصوص»، به ترجمه «إِنَّمَا» پرداخته است.

۴. «و من يدع مع الله إلهاً آخر لا برهان له به فإنما حسابه عند ربّه...» (مؤمنون، ۲۳ / ۱۱۷)؛ هر که بخواند با خدا، معبود دیگر را، هیچ حجتی نیست پرستنده را بر ثبوت آن معبود، جز این نیست که حساب او، نزدیک پروردگار اوست... (دهلوی)

و هر کس، معبود دیگری را با خدا بخواند - و مسلماً هیچ دلیلی بر آن نخواهد داشت - حساب او، نزد پروردگارش خواهد بود... (مکارم)

ملاحظه

در آیه شریفه بالا، ولی الله دهلوی، از تعبیر «جز این نیست که»، و مکارم شیرازی، از واژه «مسلمان»، برای ترجمه «إِنَّمَا» بهره گرفته اند.

۵. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ...» (نور، ۲۴ / ۲)؛ جز این نیست که مسلمانان، آنانند که ایمان آوردند به خدا و رسول او. و چون باشند با وی بر کاری که جمع کردن ایشان می طلبند، نروند تا آن که دستوری طلبند از پیامبر... (دهلوی)

مؤمنان واقعی، کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده اند و هنگامی که در کار مهمی با او باشند، بی اجازه او جایی نمی روند... (مکارم)

ملاحظه

در این آیه، شاه ولی الله دهلوی، از تعبیر ویژه خویش «جز این نیست که»، و مکارم شیرازی، از صفت «واقعی»، برای نشان دادن حصر بهره ستانده است.

۶. «إِنَّمَا أَمْرٌ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدِ الَّذِي حَرَّمَهَا...» (نمل، ۲۷ / ۹۱)؛ بگو یا محمد، جز این نیست که فرموده شد مرا که عبادت کنم خداوند این شهر را، یعنی مکه، آن که محترم ساخت آن را... (دهلوی)

من مأمورم، پروردگار این شهر مقدس (مکه) را عبادت کنم، همان کسی که این شهر را حرمت بخشیده... (مکارم)

ملاحظه

در آیه بالا، شاه ولی الله دهلوی، تعبیر «جز این نیست که»، و مکارم شیرازی، واژه تأکیدی و حصری «همان» را برای ترجمه این لفظ برگزیده اند.

۷. «قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ» (عنکبوت، ۲۹/۵۰)؛ ... بگو جز این نیست که نشان‌ها، نزدیک پروردگار من است و جز این نیست که من، ترساننده آشکارم. (دهلوی)

... بگو: معجزات، همه نزد خداست (و به فرمان او نازل می‌شود، نه به میل من و شما) من، تنها بیم دهنده‌ای آشکارم. (مکارم)

ملاحظه

در آیه مبارکه بالا، دو حصر، با لفظ «إِنَّمَا» مشهود است. شاه ولی الله دهلوی، هر دو را با تعبیر ویژه خویش: «جز این نیست که» ترجمه نموده؛ در حالی که مکارم شیرازی، با واژه‌های تأکیدی «همه» و «تنها»، به زیبایی، آن دو را بیان داشته است.

۸. «إِنَّمَا يَوْقِي الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (زمر، ۳۹/۱۰)؛ ... جز این نیست که تمام داده می‌شود صابران را، مزد ایشان بی شمار را. (دهلوی)
... [که] صابران اجر و پاداش خود را بی حساب دریافت می‌دارند. (مکارم)

ملاحظه

در آیه بالا، شاه ولی الله دهلوی، با تعبیر پیشین خویش، «جز این نیست که»، به ترجمه «إِنَّمَا» پرداخته است؛ در حالی که مکارم شیرازی، با دقت و ژرف نگری در معنا و مفهوم آیه شریفه، «إِنَّمَا» را، چون [بل] اعراضیه در نظر گرفته و در ترجمه، از واژه ربط «که» به جای کلمه [بلکه] بهره گرفته است.

۹. «أَنْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَنْزَلَ الْكِتَابَ عَلَي طَائِفِينَ مِنْ قَبْلِنَا...» (انعام، ۶/۱۵۶)؛ فرستادیمش تا نگوئید به جز این نیست که فرود آورده شد کتاب، یعنی تورات و انجیل بر دو گروه پیش از ما.... (دهلوی)

ما این کتاب را با این امتیازات نازل کردیم) تا نگوئید: کتاب آسمانی، تنها بر دو طایفه پیش از ما [=یهود و نصارا] نازل شده بود.... (مکارم)

۱۰. «أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ...» (اعراف، ۱۷۳/۷)؛ یا بگوئید که به جز این نیست که شرک آورده بودند، پدران ما پیش از ما.... (دهلوی) یا بگوئید: پدران ما پیش از ما مشرک بودند، ما هم فرزندان بعد از آن‌ها بودیم.... (مکارم)

ملاحظه

شاه ولی الله دهلوی، در دو آیه یادشده، «إِنَّمَا» را با تعبیر «به جز این نیست که»، به جای تعبیر «جز این نیست که» آورده؛ در حالی که مکارم شیرازی، برابر فارسی برای آن به کار نبرده است.

۱۱. «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خَلْفٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ...» (مائده، ۳۳/۵)؛ جز این نیست جزای کسانی که جنگ می‌کنند با خدا و رسول او، می‌شتابند در زمین به قصد فساد، یعنی قطع طریق می‌کنند، آنست که کشته شوند یا بر دار کرده شوند یا بریده دست شود دستها و پاهای ایشان از جانب مخالف، یا دور کرده شوند از وطن.... (دهلوی) کیفر آن‌ها که با خدا و پیامبرش به جنگ بر می‌خیزند، و اقدام به فساد در روی زمین می‌کنند، (و با تهدید اسلحه، به جان و مال و ناموس مردم حمله می‌برند) فقط، این است که اعدام شوند؛ یا به دار آویخته گردند؛ یا (چهار انگشت از) دست (راست) و پای (چپ) آن‌ها، به عکس یک‌دیگر، بریده شود؛ یا از سرزمین خود تبعید گردند.... (مکارم)

۱۲. «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (یس، ۸۲/۳۶)؛ جز این نیست فرمان خدا، چون بخواهد آفریدن چیزی، این است که گویدش، شو، پس می‌شود. (دهلوی) فرمان او، چنین است که هرگاه، چیزی را اراده کند، تنها به آن می‌گوید: «موجود باش!» آن نیز، بیدرنگ موجود می‌شود. (مکارم)

ملاحظه

در دو آیه یادشده، تعبیر «جز این نیست»، به جای تعبیر «جز این نیست که»، در ترجمه شاه ولی الله دهلوی به چشم می خورد؛ در ترجمه مکارم شیرازی، تعبیرهای «فقط» و «تنها» به کار رفته که سبب زیبایی جمله شده است.

۱۳. «إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (نحل، ۴۰/۱۶)؛ نیست فرمان ما برای چیزی، چون خواهیم، آفریدنش، مگر گوئیم او را، بشو، پس می شود. (دهلوی)
رستاخیز مردگان، برای ما مشکل نیست؛ زیرا، وقتی چیزی را اراده می کنیم، فقط به آن می گوئیم؛ «موجود باش!» بلافاصله موجود می شود. (مکارم)

ملاحظه

شاه ولی الله دهلوی، در آیه بالا، از تعبیر «نیست...مگر» بهره گرفته که با تعبیرهای پیشین وی، کمی متفاوت بوده؛ و مکارم شیرازی، تعبیر «فقط» را بکار گرفته است.
شاه ولی الله دهلوی، در چهار آیه زیر، لفظ «إِنَّمَا» را از ادات حصر به حساب نیاورده، و «إِنْ» را تأکید گرفته و «ما» را موصول در نظر گرفته،^{۱۷} و واژه «هر آئینه» را، در ترجمه آن آورده است. اما، مکارم شیرازی، در سه آیه «إِنَّمَا» را، هم چون دهلوی، از ادات حصر دانسته و با تعبیر «که آن چه» و «آن چه» ترجمه نموده است. وی، در یک آیه دیگر، با تعبیر تأکیدی «تنها» به ترجمه «إِنَّمَا» ی حصری پرداخته است.

۱. «وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ...» (نحل، ۹۵/۱۶)؛ و مستانید عوض عهد خدا، بهای اندک، هر آئینه، آن چه نزدیک خداست، بهتر است شما را... (دهلوی)
و (هرگز) پیمان الهی را با بهای کمی مبادله نکنید (و هر بهایی، در برابر آن ناچیز است) آن چه نزد خداست برای شما بهتر است. (مکارم)

۲. «أَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدٌ سَاحِرٌ...» (طه، ۶۹/۲۰)؛ و بیا فکن آن چه در دست راست تست تا فرو برد چیزی را که ساحران ساخته اند. هر آئینه، آن چه

ساخته اند، جادوی جادو کننده است... (دهلوی)
و آن چه را در دست راست داری بیفکن، تمام آن چه را ساخته اند می بلعند، آن چه
ساخته اند، تنها مکر ساحراست. (مکارم)

۳. «إِنَّمَا تُوْعَدُونَ لَصَادِقٍ» (ذاریات، ۵/۵۱)؛ هر آئینه، وعده که کرده می شود به شما
راست. (دهلوی)

(آری سوگند به همه این ها) که آن چه به شما وعده شده قطعاً راست است. (مکارم)

۴. «إِنَّمَا تُوْعَدُونَ لَوَاقِعٍ» (مرسلات، ۷/۷۷)؛ هر آئینه، آن چه وعده داده می شود شما را،
البته بودن است. (دهلوی)

که آن چه به شما (در باره قیامت) وعده داده می شود، یقیناً واقع شدنی است. (مکارم)
نمونه های ذکر شده تفاوت های بارز کاربرد معنای «إِنَّمَا» را، با توجه به نوع ترجمه و
سبک نگارش ادب فارسی (سبک هندی و معاصر)، در باره قرآن کریم، به گونه ظریفی
بیان می کند. اگر در این نمونه و سایر نمونه ها - ترجمه های «إِنَّمَا» در دیگر قسمت های قرآن -
ژرف بنگریم روشن می شود که، شاه ولی الله دهلوی، دقت در ترجمه و معادل سازی واژه
«إِنَّمَا» را اصل گرفته و وفاداری خود به الفاظ قرآن را، در ترجمه خویش نشان داده است، و
مکارم شیرازی، با بهره گیری از الفاظ متنوع، در کاربرد معنای «إِنَّمَا»، به ترجمه خود، زیبایی
بسیاری بخشیده است.

نتیجه گیری

۱. شاه ولی الله دهلوی - که از مترجمان تحت اللفظی به شمار می آید، - واژه «إِنَّمَا» را
با تعبیر «جز این نیست که» ترجمه نموده، مگر در موارد معدودی. و در چهار آیه، «إِن» را
تأکید گرفته و «ما» را موصول در نظر گرفته و معنای حصر را از آن بیرون برده است.

۲. مکارم شیرازی، از مترجمان غیر لفظی، آن را در دو سوم آیات ترجمه کرده و از
واژه های چندی، هم چون: «تنها، فقط، هم، مسلماً، مخصوص، واقعی و...» بهره گرفته؛
و در سه آیه، «إِن» را، تأکید دانسته و «ما» را موصول در نظر گرفته و با واژه حصری ترجمه

نکرده است .

در پایان امید است ، اهل تحقیق و مترجمان این کتاب آسمانی ، با بررسی و تتبع موشکافانه افزون تری ، در تمام موضوع های مرتبط با قرآن مجید ، راه را برای ارائه ترجمه سلیس و بلیغی ، از آیات قرآن هموار سازند .

۸. التفتازانی/۳۸۹؛ عتیق/۱۴۷؛ القزوینی، ۱/ ۲۲۸؛ حسن عباس، ۱/۳۸۱؛ الهاشمی/۱۲۴ .
۹. القزوینی، ۱/ ۲۳۵ .
۱۰. التفتازانی/۳۳۸؛ عتیق/۱۴۷؛ حسن عباس، ۱/ ۳۸۱؛ الهاشمی/۱۲۴ .
۱۱. عتیق/۱۴۷؛ حسن عباس، ۱/۳۸۲؛ الهاشمی/ ۱۲۵ .
۱۲. القزوینی، ۱/ ۲۲۸؛ عتیق/۱۴۷؛ حسن عباس، ۱/۳۸۱؛ الهاشمی/۱۲۴ .
۱۳. عتیق/۱۴۷؛ حسن عباس، ۱/۳۸۲؛ الهاشمی/ ۱۲۵ .
۱۴. التفتازانی/۴۸۴ .
۱۵. همان/۳۹۲ .
۱۶. عتیق/۱۴۳ .
۱۷. با توجه به تحقیقی - که آقای غلامعلی زحمتکش، در رسم الخط «ان ما» داشته است - در آیات یاد شده، باید «ما» را موصول در نظر گرفته و جدا کتابت شود. اما، در قرآن های - که اکنون به چاپ می رسد - درست کتابت نشده و به صورت متصل آمده این اشتباه، مربوط به کاتبان و خطاطان است. (ر. ک: زحمتکش، فصلنامه بینات، ش ۵۴، ص ۷۸ - ۷۷).

۱. ر. ک: الندوی، رجال الفكر، ۴/۱۰۳-۸۳؛ غفار خان، کیان، ۴/۴۶؛ انصاری، ترجمان وحی، ۳/۱۲؛ خرمشاهی، ترجمه شاه ولی الله دهلوی، ترجمان وحی، ۹/ ۶۲-۶۴؛ قاسمی، ۵۱-۷۲ .
۲. ر. ک: خجندی، ۶۴-۵؛ خرمشاهی، ترجمه شاه ولی الله دهلوی، ترجمان وحی، ۹/۶۲-۶۴ .
۳. ر. ک: حجة الاسلام قدسی، احمد، السيرة المباركة لسماحة آیت الله العظمی الشیخ ناصر مکارم شیرازی. و مکارم شیرازی، ناصر، رساله توضیح المسائل. بخش نگاهی گذرا بر زندگی پربرکت مرجع عظیم الشأن/۴۹۷ - ۴۹۵. و مکارم شیرازی، ناصر. ترجمه قرآن مجید. و مکارم شیرازی، ناصر، قرآن مجید، ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی، فصلنامه بینات، سال اول، ش ۱/۱۴۵ - ۱۴۲ .
۴. التفتازانی/۳۸۱؛ عتیق، ۱۴۲؛ حسن عباس، ۱/ ۳۷۲؛ الهاشمی/۱۲۳ .
۵. الهاشمی/۱۲۳ .
۶. التفتازانی/۳۸۸؛ عتیق/۱۴۷؛ القزوینی، ۱/ ۲۲۸؛ الهاشمی/۱۲۴ .
۷. عتیق/۱۴۷؛ حسن عباس، ۱/۳۸۱؛ الهاشمی/ ۱۲۵ .